

شناخت علم تمدن ساز در سیره رضوی با تکیه بر گزارش های عیون اخبار الرضا علیه السلام

محمد باغستانی کوزه گر^۱

doi 10.61186/HAS.2021.439

ابراهیم محمدزاده مزینان^۲

چکیده

اسلام با تأکید بر تفکر و سفارش بسیار به پیروانش برای علم آموزی، زمینه را برای ساختن تمدنی مبتنی بر علم فراهم کرده است؛ بنابراین از منظر دین، علم منشأ شکل گیری تمدن معرفی شده است. برای شناخت هرچه بهتر علم تمدن ساز، رجوع به منابع دینی لازم است. آیات و روایات و نیز سیره اهل بیت علیهم السلام فراگیری هرگونه علمی را در راستای شکل گیری تمدن اسلامی تجویز نکرده اند؛ ازاین رو با مراجعه به این منابع باید به شناخت درستی از علم تمدن ساز دست یافت. یکی از این منابع کلام و سیره امام رضا علیه السلام است. از مهم ترین آموزه های امام رضا علیه السلام شناساندن و ترویج علم در جهت ساخت تمدن دینی بوده است. این ویژگی ها در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام منعکس شده؛ اما کمتر اثری را می توان یافت که بدان پرداخته باشد؛ بر این اساس، هدف این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی نگاشته شده، بررسی سیره و کلام امام رضا علیه السلام در شناخت گزاره های علم تمدن ساز براساس روایات کتاب شریف عیون اخبار الرضا علیه السلام است. نتایج حاصل از یافته های موجود نشان می دهد که سخنان و سیره ائمه علیهم السلام نقش بی بدیلی در رشد و شکوفایی علم در جهت شکل گیری تمدن اسلامی فراهم کرده است. همچنین می توان از مناظرات علمی، گفت وگوهای امام رضا علیه السلام درباره علم، برخورد ایشان با دانشمندان و... ویژگی های علم تمدن ساز را استخراج کرد.

واژگان کلیدی: تمدن، علم، سیره، امام رضا علیه السلام، عیون اخبار الرضا علیه السلام.

۱. استادیار گروه هنر و تمدن اسلامی پژوهشکده اسلام تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،

m.baghestani@isca.a.c.ir

۲. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی و طلبه سطح چهار حوزه علمیه

خراسان (نویسنده مسئول)، ebrahimmazinani99@gmail.com

مبنای شکل‌گیری هر تمدنی علم است. تمدن اسلامی بر پایهٔ علومی بنا می‌شود که برآمده از معارف و علوم انسانی اسلامی است. تمدن اسلامی باید مبتنی بر اصول فرستاده‌شده از سوی خداوند باشد. علم تمدن‌ساز به دنبال رشد و تکامل جامعهٔ بشری براساس این اصول است. شناساندن این اصول و مبانی در گروی شناختی از چیستی علم و معرفت دینی و طبقه‌بندی علوم می‌باشد؛ از این‌رو شناخت علم تمدن‌ساز از منبع دینی حائز اهمیت است.

مطالعهٔ عصر درخشش تمدن اسلامی و یادآوری آن دوران غرورآفرین، نقش دین و مذهب تشیع در آفرینش تمدن اسلامی را امری قطعی می‌سازد. مهم‌ترین عنصری که در ترویج علوم تمدن اسلامی نقش عمیق و فراگیر داشته آیات و روایاتی است که مسلمانان را به علم تشویق می‌کرده است. در این میان نقش سیره و کلام ائمهٔ شیعه علیهم‌السلام نیز بسیار مهم است. هریک از آن بزرگواران در راستای اعتلای کلمهٔ علم و دانش افزونی اقدامات شتابنده‌ای داشته‌اند؛ به گونه‌ای که در طول سال‌های پربرکت زندگی آن‌ها و پس از آن، انسانیت از زلال اقدامات علمی آن بزرگواران سیراب شده است. ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام علاوه بر آموزش مبانی نظری دین به مسلمانان، در تلاش بودند تا آنان را به فراگیری علم در زمینه‌های گوناگون و موردنیاز جامعه، از جمله قرآن و فقه و مباحث اعتقادی تشویق کنند و بدین‌وسیله، با خلق آثار علمی، کمیت و کیفیت دانش اسلام را به‌عنوان آیینی فرهنگی و تمدن‌ساز معرفی کنند.

یکی از ستارگان علم که به «عالم آل محمد» ملقب‌اند و سیرهٔ علمی و عملی ایشان در شکوفایی تمدن و بالندگی علم مسلمانان، تأثیر شگرفی گذاشته است، حضرت رضا علیه‌السلام می‌باشد. نگاهی هرچند اجمالی به وضعیت فرهنگی و علمی عصر آن امام همام علیه‌السلام و اقدامات و سخنان روشنگرانهٔ ایشان در جهت تولید علم و اندیشه، می‌تواند نگاه روشنگرانه‌ای را پیش روی ما در جهت شناخت و تداوم علم در بستر تمدن اسلامی قرار دهد. در میان گسترهٔ کلام و سیرهٔ امام رضا علیه‌السلام کتاب عیون اخبار الرضا علیه‌السلام می‌تواند به‌عنوان نمونه‌ای برای معرفی این فرایند باشد؛ بر این اساس سؤالات اساسی این مقاله

عبارت‌اند از: به چه میزان سیره امام رضا علیه السلام در کشف گزاره‌های تمدن مبتنی بر علم واکاوی شده‌اند؟ این گزاره‌ها کدامند و به چه میزان در معرفی علم تمدن‌ساز نقش دارند؟ بنابراین می‌توان به دنبال این فرضیه بود که از منظر امام علیه السلام علم تمدن‌ساز، علمی است که علاوه بر رفع نیازهای بشری، به دنبال اعتلا بوده و ارزش‌های دینی را بازنمایی کند.

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون مطالب زیادی درباره سیره حضرت رضا علیه السلام در قالب‌های گوناگون ارائه شده است؛ اما آنچه مهم می‌نماید آن است که سیره و کلام امام علیه السلام درباره علم تمدن‌ساز، مورد مذاقه و بحث جدی قرار نگرفته است. به هر روی مقالاتی درباره نقش اهل بیت علیهم السلام در تمدن اسلامی به نگارش درآمده است که بخشی از آن می‌تواند در بررسی علم تمدن‌ساز استفاده شود؛ مانند «بررسی نقش ائمه شیعه تا امام رضا علیه السلام در گسترش و پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی» نوشته مصطفی چراغیان‌راد (۱۳۹۸)، مقاله نجفی و اعتمادی با عنوان «مؤلفه‌های مکتب سیاسی امام رضا علیه السلام در افق تمدن اسلامی» (۱۳۹۸) که به نحوی به سیره امام رضا علیه السلام در بستر شکوفایی علم نیز اشاراتی دارند؛ اما به نحو خاص به موضوع این مقاله پرداخته‌اند؛ بر این اساس بررسی علم تمدن‌ساز از منظر امام رضا علیه السلام می‌تواند منظر جدیدی از مطالعه در سیره اهل بیت علیهم السلام را معرفی کند.

۲. رابطه علم و تمدن

تاکنون تعاریف زیادی از تمدن ارائه شده است. برخی تمدن را نتیجه و برآیند تلاش‌های فرهنگ می‌دانند؛ چنان‌که علامه محمدتقی جعفری، تمدن را ریشه‌ای و بنیادین و بیان‌کننده تلاش‌های عوامل اصیل حیات فردی و اجتماعی می‌داند (جعفری، ۱۳۷۵: ۲۳۳)؛ اما آنچه در این نوشته مهم می‌نماید آن است که در بسیاری از تعاریفی که از تمدن اسلامی شده است دانایی محوری و پرورش یافتگی انسان جایگاهی ممتاز دارد. این امر، روشنگر این واقعیت است که تمامی دستاوردهای بشری که در حوزه علم باعث تعالی ارزش‌های انسانی و رفع نیاز او باشد مورد پذیرش اسلام بوده و در چهارچوب تمدن اسلام قرار می‌گیرد؛ زیرا هر تمدنی نیازمند بخشی از معرفت‌ها و علوم مقتضی با خود بوده و توانمندی نظری و عملی تمدن وابسته به آن علوم است. بر اساس تعاریف موجود در باب تمدن اسلامی، رابطه تنگاتنگی میان علم و تمدن وجود دارد؛ بنابراین آنچه مدنظر است با

این تعریف سازگار می‌باشد: «تمدن، مجموعه هماهنگ و سازمان‌یافته‌ای (سوروکین، ۱۳۷۷: ۲۵۵) از عقاید، باورها، سنن، خلاقیت‌ها، اختراعات و فنون و علم که به‌نحوی از انحاء متأثر از اندیشه اسلامی بوده و در جامعه اسلامی و مسلمانان فراهم آمده باشد» (یعقوبی، ۱۳۸۰): از این‌رو اسلام با ظهور خود در جامعه جاهلی آن روز، با اعلان فرمان «اقرأ» که نمادی از علم و اندیشه بود اولاً باورها و اعتقادات و ضدارزش‌های آن روز را باطل و باورها و اعتقادات و ارزش‌های نوین را آفرید؛ ثانیاً حقوق و قوانین را متحول کرد؛ ثالثاً با بسترسازی، زمینه علم و هنر و فناوری را فراهم ساخت؛ بر این اساس، تمدن به حوزه خلاقیت انسانی مرتبط با فناوری (تکنولوژی) و علم اشاره دارد. تمدن اسلامی طی چند قرن در عرصه‌های گوناگون که مهمترین آن علوم بوده است به بالندگی رسید.

۳. معیارهای بررسی علم تمدن‌ساز از منظر امام رضا (ع)

طبقه‌بندی مسائل علم و بهره‌گیری از آن، یکی از مسائل مهم در تمدن اسلامی است؛ بر این اساس مهمترین معیارهای بررسی علم تمدن‌ساز از منظر امام هشتم (ع) را می‌توان در موارد ذیل جست‌وجو کرد:

۱، ۳. اهمیت علم

نخستین مسئله فراروی تمدن مبتنی بر دانش، شناخت اهمیت علم در سیره و کلام امام (ع) است. باید دانست که علم و دانش در ساخت تمدن از چنان اهمیتی برخوردار است که ائمه (ع) نیز تحصیل علم را به‌گونه‌ای بر عوام و خواص واجب کرده و سعی کردند دانش و فهم درست از دین را در میان تمام مسلمانان همگانی کنند. از سویی با «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» (نک: حرعاملی، بی‌تا: ج ۲۰، ۲۷) بر این امر تأکید کردند و از سویی دیگر امام رضا (ع) فرمود: «هرکس به راهی برود که به کسب علمی بینجامد، خدا برای او راهی به‌سوی بهشت می‌گشاید.» (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۲۸). اگرچه در کلام امام (ع) بهشت به‌عنوان پاداش نهایی در فراگیری علم مطرح شده؛ علاوه بر ایجاد اشتیاق در فراگیری دانش، بر اهمیت آن در ساخت پایه‌های تمدن اسلامی نیز اشاره دارد. باید در نظر داشت که شکوفایی علم در تمدن‌های جهان، مرهون تدابیر همین تشویق‌های دینی است و علم نیز در تحکیم باورهای دینی سهم بسزایی بر عهده دارد (حیدری کاشانی، ۱۳۷۷): بر این اساس حضرت رضا (ع) با تشویق به علم‌آموزی،

فراگیری آن را همچون داشتن گنجینهٔ پرارزش دانسته‌اند. رسول خدا ﷺ فرمود: «علم، خزینه‌ها و کلید این خزاین، سؤال است؛ پس سؤال کنید که خداوند بر شما ترحم می‌کند. در سؤال کردن چهار طایفه به پاداش نیکو رسند: سؤال‌کننده، تعلیم‌دهنده، شنونده و دوستدار این‌ها» (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۱۶).

امام علی (ع) اهمیت شکل‌گیری تمدن بر پایهٔ علم را در گروی انتقال مفاهیم درست اسلامی از سرچشمهٔ اصیل دانسته‌اند؛ چرا که نمایاندن افق‌های علمی برای پی‌ریزی اندیشه و ایدهٔ تمدن‌ساز، زمانی در فرارو و چشم‌انداز مسلمانان قابلیت اجرا شدن دارد که با محوریت مکتب اهل بیت (ع) و مرجعیت آنان باشد؛ بر این اساس «امام علی (ع) فرموده‌اند: "خدا رحمت کند بنده‌ای را که زنده بدارد امر ما را." عرض شد چگونه زنده بدارد امر شما را؟ فرمود: "بیاموزد علوم ما را و به مردم تعلیم کند؛ چرا که مردم اگر محاسن کلام ما را بدانند پیروی کنند ما را."» (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۱، ۶۲۵). همچنین امام معتقدند که علم‌آموزی و طی کردن مسیر علم بهتر است از ثروتی که پدر و مادر برای فرزندان به ارث می‌گذارند؛ چرا که علم، خیر و برکتی در دنیا و آخرت به جای می‌گذارد که مال چنین آورده‌ای را به دنبال ندارد (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۲۸۸).

تعمیق و گسترش تمدن اسلامی بر اساس علوم، همانند سایر تمدن‌ها بدون پیشینه آغاز نشده و اساساً چنین امری نه‌تنها ممکن نیست، بلکه تلاش برای یک حرکت علمی بدون توجه به دستاوردهای علمی گذشتگان که هرچند کم باشد، نه‌تنها موجب اتلاف وقت، بلکه غیرمعقول است؛ بر این اساس امام رضا (ع) بر اهمیت اقتباس علوم از گذشتگان، به‌ویژه پیامبران به‌عنوان منشأ علم تمدن‌ساز، تأکید کرده‌اند؛ چرا که پیامبران عالمان اهل زمان خود بوده‌اند؛ از این رو فراگیری علومی مانند طب سرآمد علوم تمدن‌ساز دانسته شده است. زمانی که ابن‌سکیت به حضرت رضا (ع) عرض کرد: چرا خداوند موسی (ع) را با معجزهٔ ید بیضا، عصا و وسایل سحر و نیز عیسی (ع) را با زنده کردن مردگان و محمد (ص) را با معجزه‌ای همچون کلام فصیح و خطبه‌های بلیغ مبعوث کرد؟ یعنی چرا هریک از این پیغمبران را به معجزه‌ای خاص مبعوث کرد. حضرت رضا (ع) در مقام پاسخ، از وضعیت علم در زمان آن پیامبران پرده برداشت؛ به گونه‌ای که وقتی خداوند موسی (ع) را به پیغمبری مبعوث کرد، بیشتر افعال و علوم اهل زمان او ساحری و جادوگری بود؛ پس، از نزد خدا چیزی برای ایشان آورد که توانایی انجام مانند آن را نداشتند و حجت را بر آن‌ها

تمام کرد. عیسی علیه السلام را وقتی مبعوث کرد که آفات و مریضی‌ها وجود داشت و مردم محتاج به طبابت بودند؛ پس عیسی علیه السلام از نزد خدا چیزی برای ایشان آورد که نمی‌توانستند مانند آن را بیاورند. معجزه‌ای که آن جناب آورد زنده کردن مرده و بهبود دادن کور مادرزاد و پسی به‌اذن خدا بود و به این سبب حجت بر ایشان اثبات شد (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۱۴۲ و ۱۴۳). این روایت نشان می‌دهد که معجزات پیامبران در زمان خود بر مبنای علم روز بوده است. علم تمدن‌ساز به دنبال اثبات حقانیت و حجت الهی و رفع نیازهای بشری است؛ از این رو لزوم فراگیری برخی از علوم یادشده در گروی نیل به این اهداف تجویز شده است.

۲، ۳. ویژگی دانشمندان

با ظهور اسلام، قرآن مجید انسان‌ها را به کنجکاوی، تفکر، آموختن و احاطه به تمامی معلوماتی که از عقل تراوش می‌کند مأمور کرد (اعراف، ۱۸۵؛ غاشیه، ۱۷ تا ۲۰؛ بقره، ۱۶۴ و...); از این رو دانشمندانی از میان مسلمانان برخاستند که با بهره‌گیری از علوم تمدن‌های دیگر، خصوصاً هند و یونان و ایران، (صفا، ۱۳۵۶: ۹۱ تا ۱۰۴) و با تأمل و تدبر و نقد آن آثار، دست به ابتکاراتی زدند که در پاره‌ای از موارد عالی‌تر از عقاید و افکار صاحبان اصلی این علوم بود. علاوه بر آنکه در بعضی از علوم همچون شیمی نیز خود، مخترع آنان بودند (نوفل، ۱۳۵۱: ۸۶ و ۸۷). محور این حرکت بزرگ و حیات‌بخش در میان شیعه امامان علیهم السلام، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، یاران و پیروان‌شان بوده‌اند و اکثر علوم اسلامی به دست آنان پدید آمده است و با همه محدودیتی که حاکمان اموی و عباسی برای ائمه علیهم السلام پدید آوردند، آنان توانستند با تربیت دانشمندان فراوانی، تمدن بزرگ اسلامی را پایه‌گذاری کنند. ظهور دانشمندان برجسته در سایه تعالیم و سیره اهل بیت علیهم السلام نشان‌دهنده این است که شکل‌گیری تمدن بر پایه تعلیم و تربیت استوار است. در این میان اگر بنا باشد به نمونه شاخصی از تمدن اسلامی مبتنی بر علم اشاره شود، باید به نمونه‌هایی از نهضت عظیم علمی که در سیره امام رضا علیه السلام نسبت به دانشمندان بیان شده است اشاره شود:

۱، ۲، ۳. تعهد عالمانه

تعهد عالمان برای ساخت تمدنی بر مبنای علم از شاخصه‌های بارز دانشمندان در اسلام است. اهمیتی که دین اسلام به عالمان و دانشمندان داده بسیار روشن است. کثرت

آیات الهی و سخنان پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ در تکریم دانشمندان، نشانی بر این مدعاست که نقش دانشمندان متعهد در ساخت تمدن اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار است. این نکته در سخنان امام رضا ﷺ با تکیه بر بیان ویژگی عالمان ادیان گذشته استوار است. امام رضا ﷺ در مورد تعهد عالمان می‌فرمایند:

«اگر انجیل بر عهد اول باقی بود، در آن اختلافی ظاهر نمی‌شد؛ ولیکن من سر این مطلب را می‌گویم. زمانی که انجیل اول مفقود شد، نصاری اجتماع کردند به سوی علمای خود و گفتند که عیسی بن مریم کشته شد و انجیل را گم کردیم و شما علمای ما هستید. الوقا و مرقابس گفتند: «انجیل در سینه ما نقش بسته است.» (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۱، ۳۴۴).

امام ﷺ به روشنی به این نکته اشاره کرده‌اند که اگر علما بر تعهدی که خداوند از آنان گرفته باقی بمانند و دچار انحراف نشوند، می‌توانند بر اساس کتاب الهی که منبع علم و دانش است در ساخت تمدنی پیش‌گام باشند؛ از همین رو برخی معتقدند که دانشمندان غیرمتعهد عاملی در جهت ضربه به تمدن‌ها هستند و اساس آن چیزی که به مکتب‌های توحیدی ضرر رسانده است و مانع رشد و تکامل آن‌ها شده مهذب نبودن عالمان و دانشمندان است؛ آن‌هم از سوی اشخاصی که علم دارند و مهذب نیستند و بیشتر هم از طرف اشخاصی که جاهل بودند و مهذب نبودند (خمینی، ۱۳۸۷: ۴۰).

۲، ۲، ۳. عالمان درباری

پیوند دادن معارف و احکام دینی با نیات دنیوی حاکمان جور، آن را از دایره علم تمدن‌ساز خارج می‌سازد. تدوین علم بر اساس تمایلات نفسانی و چیدمان افکار سیاسی طواغیت با تمدن‌سازی سازگار نیست؛ چرا که تمدن در درون خود پویایی به دنبال دارد؛ حال آنکه عالم درباری به سوی ایستایی و وابستگی تمایل دارد؛ از این رو امام رضا ﷺ نیز در سیره خود از عالمانی که از مکتب تمدنی اهل بیت ﷺ روی برتافتند روی گردان شدند و بدین سان عالمان وابسته به جریان طاغوت را مانعی در پیشبرد علم تمدن‌ساز دانستند؛ به عنوان نمونه هشام بن ابراهیم راشدی همدانی که از مقرب‌ترین مردم نزد حضرت رضا ﷺ بود، پیش از آنکه امام ﷺ به سوی خراسان گام نهند، مردی عالم و ادیب و فصیح‌زبان بود و امور حضرت رضا ﷺ دست او بود و قبل از رفتن آن حضرت ﷺ به خراسان از

اطراف و اکناف اموال به سوی او می آوردند؛ اما از زمانی که حضرت رضا علیه السلام روی به خراسان نهاد به ذوالریاستین پیوست و ذوالریاستین او را مقرب خود کرد و وی را تکریم کرد. هشام نیز اخبار و احوالات حضرت رضا علیه السلام را برای ذوالریاستین و مأمون نقل می کرد (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۳۴۰). امام علیه السلام هم از او روی برتافت؛ بر این اساس برخی معتقدند عالم درباری، عالم وابسته نیز می باشد. هر عالم دینی منفعل، از آن هنگام که تحت فشارها، پا در عرصه انفعال نهاد و متکی بر مبانی خارج از چهارچوب های دین اسلام سخن راند و عمل کرد، استعداد وابستگی به قدرت های حامی اسلام غیاصیل را پیدا می کند. «عالمان درباری رسماً تولید جمع آوری و گسترش تئوری های لازم برای قدرت طلبی بی حد و حصر شاهان و استعمارگران را در نظام پادشاهی یا نظام سلطه جهانی بر عهده دارند.» (مطهری، ۱۳۹۸: ۲۹۶).

۳، ۲، ۳. ویژگی های عالمان حقیقی و راستین

بی تردید می توان یکی از پایه های تمدن اسلامی را پیشرفت مسلمانان در عرصه اخلاق برشمرد. رمز شکوفایی تمدن اسلامی، به خصوص آنچه به علوم و فنون مربوط می شود، وجود عالمان حقیقی و راستین است. حضرت رضا علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام را به عنوان عالمان راستین و تمدن ساز معرفی می کنند:

«از حسن بن جهم روایت است که گفت: "روزی در مجلس مأمون حاضر شدم و علی بن موسی الرضا علیه السلام در نزد او بود و فقها و اهل کلام از فرقه های مختلف در آن مجلس اجتماع یافته بودند؛ پس بعضی از آنها از آن بزرگوار سؤال کردند: "یا ابن رسول الله! به چه چیز می توان امامت را برای مدعی آن اثبات کرد؟" فرمود: "به نص و دلیل." عرض کرد: "پس دلالت بر امامت او به چیست؟" فرمود: "به علم و مستجاب شدن دعای اوست."» (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۴۷۳).

علی بن موسی علیه السلام با بیان ویژگی های زید بن علی به بخشی از خصوصیات عالمان راستین در تمدن اسلامی اشاره کرده اند. امام علیه السلام زید بن علی را از علمای آل محمد صلی الله علیه و آله دانسته که در جهت خشنودی خداوند غضب کرد و از این رو با دشمنان خدا جهاد کرد تا اینکه در راه خدا کشته شد. پدر بزرگوار امام رضا علیه السلام نیز از زید بن علی به نیکی یاد کرده است؛ ضمن آنکه رحمت الهی را برای عموی خود خواستار شده و وی را عالمی

نیک‌اندیش خوانده که مردم را به‌سوی امامت از خاندان آل محمد علیهم‌السلام دعوت می‌کرده است (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۱، ۵۱۳).

حضرت رضا علیه‌السلام در مجلسی که مأمون ترتیب داده بود در پاسخ به سخنوران، بینش را یکی از نشانه‌های حقیقی عالمان دانسته‌اند و با تمسک به آیات الهی همچون آیه هفت سوره آل عمران به توصیف دانشمندان واقعی پرداخته‌اند و ثابت‌قدم در دانش و متمکن در بینش که علمای اهل ایمان باشند، راسخون در علم هستند^۱ (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۱، ۳۸۲)؛ بنابراین کلام و و سیره امام علیه‌السلام نشان می‌دهد علوم تمدن‌ساز بر اساس تلاش‌های دانشمندانی که متدین و متعهد باشند به وجود می‌آید. شواهد تاریخی نیز نشان داده است یکی از عوامل بسیار مهمی که تمدن اسلامی را در مرتبه سرآمدی تمدن‌های روزگار خود نشانده، وجود چنین دانشمندانی با ویژگی‌هایی، همچون دین‌مدار، حقیقت‌گو، راسخ، ثابت‌قدم و... بوده است.

۳، ۳. انواع علوم

یکی دیگر از گزاره‌های شناخت علم تمدن‌ساز اشاره به مصادیق و انواع و طبقه‌بندی علوم است. اندیشمندان مسلمان بر اساس وجوه گوناگونی، علوم را تقسیم‌بندی می‌کرده‌اند. علوم اسلامی، علمی است که موضوع و مسائل آن، اصول یا فروع ارکان فرهنگ اسلامی است یا مواردی است که اصول و فروع ارکان فرهنگ اسلامی به‌استناد آن‌ها ثابت می‌شود یا علمی است که مقدمه دو نوع علوم یادشده شمرده شوند. این علوم در یک دید کلان عبارت‌اند از: علوم قرآن، قرائت، تفسیر، نحو، لغت، حدیث، کلام، فقه، تاریخ، اخلاق، رجال، درایه، فلسفه و منطق (زیدان، ۱۳۶۹: ۴۳۴ و ۴۳۵؛ مطهری، بی‌تا: ج ۱، ۱۰ و ۱۱). در کتاب عیون اخبار الرضا علیه‌السلام به برخی از این علوم اشاره شده است که به‌نوعی بر ارزشمندبودن فراگیری این علوم در جهت ساخت تمدن اسلامی در کلام و سیره حضرت علیه‌السلام گواهی می‌دهد. اشاره به چنین علمی نشان از منزلت آن‌ها دارد؛ چراکه دانش‌ها با ملاک‌ها و معیارهای مختلف، در جهت برطرف کردن نیازهای

۱. «و ما یَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ» (آل عمران، ۷).

بنیادین علمی در دنیای اسلام و نیازهای فکری و فرهنگی بشر مطرح می‌شوند. رفع نیاز بشر در دایره شرع از ویژگی‌های علم تمدن‌ساز به‌شمار می‌آید.

۱، ۳، ۳. علم پزشکی

در کلام ائمه علیهم‌السلام و امام رضا علیه‌السلام بر اهمیت پاکی جسم تأکید شده است. این امر، فراگیری علم پزشکی در تمدن اسلامی را با اهمیت می‌کند. روایات و گزارش‌های فراوان از سیره امام علیه‌السلام در کتاب عیون اخبار الرضا علیه‌السلام که به معرفی انواع بیماری‌ها و لزوم درمان آن‌ها با داروها اشاره داشته، نشان می‌دهد فراگیری این علم در جهت تداوم حیات بشری که وجه بارز تمدن است، بسیار اهمیت دارد. درست است که آشنایی مسلمانان با علم طب مرهون یآوری‌های سریانیان و ایرانیان است و منابع اصلی کار آنان در این رشته کتب یونانی است (صفا، ۱۳۵۶: ۱۱۳)؛ اما نقش نهضت ترجمه در میان مسلمانان (در زمان منصور برخی از متون مربوط به طب به عربی ترجمه شد) (زیدان، ۱۳۶۹: ۵۵۴) و رهنمودهای ائمه اطهار علیهم‌السلام در میان مسلمانان، بر ارزش این علم و فراگیری آن می‌افزود؛ چنان‌که در اهمیت این علم گفته شده است که «علم ابدان» در ردیف «علم ادیان» در آمد (کاشفی، ۱۳۸۴: ۱۳۹).

طب اسلامی و ملحقات آن، همچون داروسازی و جراحی از پیام‌های بهداشتی اسلام تا نحوه خوردن و آشامیدن مدد گرفته و نیز از زمینه‌های پزشکی یونانی، اسکندرانی، هندی و ایرانی بهره برده است؛ در نتیجه مبادی آن برگرفته از میراث پزشکی تمدن‌های باستانی بوده؛ ولی ارتباط نزدیکی نیز با آموزه‌های دینی درباره سلامت داشته است (همتی گلپای، ۱۳۸۶: ۹۹). همین تأثیر تعالیم اسلامی سبب تسلط دانشمندان مسلمان بر طب شد؛ تا جایی که صاحب نوآوری‌ها و اکتشافاتی بزرگ و تأثیرگذار در جامعه انسانی شدند؛ از این‌رو به نمونه‌هایی از سیره و سخنان امام رضا علیه‌السلام که اشاره به اهمیت استفاده از این علم تمدن‌ساز و معیارهای بهره‌گیری از آن دارد، اشاره می‌شود:

۱، ۳، ۳. معرفی بیماری‌ها

امام رضا علیه‌السلام در مواقع مختلف به معرفی بیماری‌های گوناگون و شناساندن آن به مردم اقدام کرده‌اند، حتی در برهه‌ای مخاطبان خود را به رعایت بهداشت و از سویی فراگیری علم بهداشت فرا می‌خواندند. از امام علی علیه‌السلام نقل کرده‌اند: ابتلاء به طاعون، مردن را

شتابان می‌کند (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۴۹). امام علی علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل کرده است که دست و دهان اطفال خود را از چربی و بوی گوشت بشوید؛ زیرا شیطان بوی گوشت را می‌بوید و طفل در خواب فزع می‌کند و دو فرشته او اذیت می‌شوند (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۱۱۸).

۲، ۱، ۳. انواع بیماری

امام رضا علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ بر علی علیه السلام وارد شد؛ در حالی که آن جناب تب‌دار بود. رسول خدا ﷺ آن جناب را به خوردن عییرا، یعنی سنج‌دار، امر فرمود (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۵۳).

۳، ۱، ۳. اهمیت سلامتی کودکان

برای نوزاد، شیرینی بهتر از شیر مادر نیست (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۳۱).

۴، ۱، ۳. اهمیت سلامتی بدن

امام رضا علیه السلام فرموده است که رسول خدا ﷺ فرمود: از روغن زیتون استفاده کنید؛ چراکه معده را قوی سازد و بلغم را ببرد و اعصاب را محکم و بیماری مانده‌گاران را زایل و اخلاق را نیکو و نفس را پاک کند و اندوه را ببرد (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۳۳).

از محمد بن سنان روایت است که حضرت رضا علیه السلام در جواب مسائل او نوشته است:

«حرام خوردن خون را مانند حرمت استفاده از مردار بدان؛ زیرا که خون، بدن را فاسد کند و آفت رساند و موجب ماء الاصفَر شود (یعنی خلط صفراوی) و باعث گنددهان و بوی بد و خُلق بد و مورث قساوت قلب و قَلتِ رافت و رحمت شود تا به حدی که ایمن نیست خورنده خون از اینکه بکشد فرزند و پدر و مصاحب خود را.» (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۱۷۹).

۵، ۱، ۳. لزوم تغذیه مناسب

حضرت رضا علیه السلام از امام علی علیه السلام روایت کرده که فرمود: بر شما باد کدو که آن قوت دماغ را زیاد می‌کند (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۳۴).

۶، ۱، ۳، ۳. لزوم تقویت جسم

ایشان فرموده است که علی علیه السلام فرمود: سه چیز است که حافظه را زیاد کند و بلغم را دفع کند؛ تلاوت قرآن و غسل و کندر (صدوق، ۱۳۹۰: ۴۰).

۷، ۱، ۳، ۳. اهمیت پیشگیری از بیماری

امام رضا علیه السلام خوردن سرکه را عاملی برای پیشگیری از بیماری‌های عفونی معرفی کرده است؛ «چراکه کرم داخل شکم را می‌کشد.» (صدوق، ۱۳۹۰: ۴۵) و در پایان از شراب مست‌کننده نهی فرمود. همچنین از ایشان روایت است هرکس صبح پیش از آنکه چیزی بخورد ۲۱ دانه مویز سرخ بخورد، هرگز از بدن خود ناخوشی نیابد (صدوق، ۱۳۹۰: ۴۷).

۸، ۱، ۳، ۳. درمان بیماری

در سیره علمی و عملی امام رضا علیه السلام دستورات فراوانی در نحوه درمان بیماری‌ها وجود دارد؛ مانند اینکه:

«از ابواحمد عبدالله بن عبدالرحمن معروف به صفوان روایت است که گفت: قافله‌ای از خراسان به سوی کرمان بیرون آمد. دزدهایی در کوه‌های کرمان ساکن بودند که آن کوه را قفص گویند. بر قافله زدند و مردی را که به بسیاری مال متهم کرده بودند، نگاه داشتند و مدتی در دست ایشان باقی بود. او را به انواع صدمات عذاب می‌کردند تا با مال، خود را از دست آن‌ها برهاند. او را در میان برف نهاده و دهان او را پر از برف کرده و بستند. زنی از آن‌ها، او را رهانید و فرار کرد؛ ولی دهان و زبان او فاسد شد؛ به طوری که قدرت تکلم نداشت. به خراسان رفت و شنید که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در نیشابور است و در خواب دید که گویا کسی به او گفت: "پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله در خراسان وارد شده است. از او سؤال کن از ناخوشی خود تا اینکه تو را تعلیم دهد به دوائی که به تو منفعت بخشد و از این ناخوشی شفا یابی." آن مرد گفت: "من در واقعه خواب دیدم که گویا قصد آن بزرگوار کرده و به سوی او شکایت کردم از آنچه بر من آمده است." فرمود: "زیره و سعفر (آویشن) و نمک گرفته و می‌کوبی و دو یا سه مرتبه بر دهان خود می‌ریزی، عافیت می‌یابی [...]" آن

مرد به خراسان رسید و قصد امام علیه السلام کرد و امام علیه السلام فرمود: «آیا من در خواب تعلیم تو نکردم؟ برو و استعمال کن آن دوائی که به تو تعلیم کردم [...]». (صندوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۴۹۸ و ۴۹۹).

«علی بن نعمان از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت کرده است که به آن جناب عرض کردم: "فدای وجودت! ثللول [زگیل] بسیاری در بدن من نمایان شده است و از این جهت غمناک شده‌ام و از تو مسئلت می‌کنم که چیزی به من تعلیم کنی که به آن منتفع شده و استشفای جویم." آن جناب فرمود: "از برای هر ثللول هفت دانه جو بردار و در هر جو هفت مرتبه بخوان از اول ﴿إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾ تا قول حق تعالی ﴿فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا﴾ و قول حق تعالی را ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا﴾. پس از آن، هر دانه را برمی‌داری و به هر ثللولی می‌مالی و آن دانه‌های جو را بر خرقة نو می‌پیچی و سنگی بدان خرقة می‌بندی و در جایی پنهان می‌کنی." راوی گوید: "من چنین کردم و در روز هفتم به آن ثللول‌ها نظر کردم. چیزی از آن باقی نبود و سزاوار است این عمل را در اواخر ماه به جای آرند." (صندوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۵۰).

۹، ۱، ۳، ۳. دفع مرض

امام رضا علیه السلام بر پیشگیری از بیماری به‌عنوان بهترین روش طبی اشاره کرده است:

«روز چهارشنبه، روز شومی است که قوت و استحکام دارد در شوم‌بودن و هرکس در آن روز حجامت کند، باید بر او ترسید که محل حجامت‌های او سیاه شود و او را هلاک کند و کسی که در آن روز تنویر بکشد، باید بر او ترسید از اینکه به ناخوشی برص و پسی مبتلا شود.» (صندوق، ۱۳۹۰: ج ۱، ۵۱۱).

دستورات بی‌شمار و متنوع طبی که در سیره و کلام امام رضا علیه السلام نقل شد، همه‌اش بر اهمیت این علم در شکل‌گیری تمدن اسلامی گواهی می‌دهد. دستاوردهای مسلمانان در قالب کتاب و مراکز پزشکی از قرن سوم گواه روشنی بر این مدعاست. توصیه‌های مؤکد بهداشتی و درمانی امام علیه السلام به‌صورت مجموعه پزشکی ویژه‌ای مدوّن شد که به «طب الرضا علیه السلام» مشهور بوده و در معرفی علم در تمدن اسلامی مؤثر واقع شده است. از سویی

دیگر، تعلیمات اهل بیت علیهم السلام ناظر به سعادت دنیوی و دینی است که جزو لاینفک تحقق تمدن اسلامی است؛ بنابراین:

«تذکر این معنایی مناسبت نیست که تعلیمات الهی اولیای دین از آنجا که ناظر به سعادت دنیوی و اخروی انسان بوده است، لاجرم ناظر به سلامت جسمانی او نیز گردیده است؛ ولی تفکیک و تمایز شأن پزشک از شأن اولیای دین در بسیاری از روایات مورد تأکید قرار گرفته و خود آن بزرگواران، برای تعلیم عملی پیروان خویش، به پزشکان مراجعه می کردند.» (حسینی، ۱۳۸۳).

این بدان معناست که در رویکرد امام علیه السلام سلامت جسم بر سلامت روح تأثیر دارد و سلامت هر دو بُعد بر شکل دهی تمدن انسانی یاری می رساند.

۲، ۳، ۳. علم فقه

کلمه فقه به معنای فهم و درک و تفقه در دین به معنای تفکر و تعمق در دین است؛ اما علم فقه، همان دانش احکام شرعی یا فروع دین است. فقه اسلامی از حقوق تعبدی است؛ یعنی قوانینی است که وضع و قانون گذار آن بشر نیست؛ بلکه مکتب های الهی آن ها را از سوی خداوند به بشر عرضه می کنند (کاشفی، ۱۳۸۴: ۱۱۶). فقه شیعه در حرکت خود فراز و نشیب هایی را طی کرده است؛ ولی در مجموع یک روند تکاملی را پشت سر گذاشته است (مطهری، ۱۳۶۲: ۵۰۰ و ۵۰۱).

فقه تمدنی نگاه کلان به حوزه های فردی، اجتماعی، حکومتی و تمدنی در سطح ملی و بین المللی دارد. ساخت تمدن نیاز به علمی دارد که برنامه ریزی برای اداره جامعه و دادن طرح های دقیق را در بر داشته باشد (میرمحمدی، ۱۳۹۹: ۱۳۶ و ۱۳۷)؛ بنابراین برای آینده ای که قرار است تمدن اسلامی به مرحله تکامل خود برسد و تمدن نوین ایجاد شود نیاز به علمی دارد که فقه، متکفل آن شده است. از این منظر است که حضرت رضا علیه السلام بر فراگیری این علم تأکید کرده است: «کسی که نیکو کند فقه خود را، او را حسنه ای باشد.» (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۳۱).

علم حدیث ترجمان وحی نبوی است؛ چنان که بر اساس برخی از آیات قرآن، رسول خدا ﷺ موظف بودند در کنار ابلاغ وحی به مردم، معانی و مفاهیم آیات را نیز به آنان بیاموزند؛ از این رو دانش حدیث، در کنار قرآن، پایه نخست علوم اسلامی بوده است. علم حدیث تأثیر چشمگیری در توسعه علم تمدن ساز در اسلام داشته و بر علوم دیگر، مانند تاریخ، ادبیات، معانی، بیان، کلام و فلسفه تأثیر گذاشته است (مدیرشانه چی، ۱۳۶۲: ۱ تا ۳). به دلیل جایگاه حدیث در تبیین ارکان فرهنگ اسلامی، شیعیان به پیروی از مولای خود امام علی (ع) از نیمه اول قرن اول هجری شروع به تدوین حدیث کردند (صدر، بی تا، ۲۷۸).

در سیره و کلام امام رضا (ع) شکل دهی محافل علمی بر اساس بیان احادیث و معارف اهل بیت (ع) از جمله گزاره های شناخت علم تمدن ساز به شمار می آید؛ چنان که:

«از حسن بن علی بن فضال روایت شده است که گفت حضرت رضا (ع) فرمود: «هرکسی متذکر مصیبت های ما اهل بیت (ع) شود و گریه کند یا اینکه بگریاند کسی را، چشم او گریه نکند روزی که همه چشم ها گریه کند و کسی که بنشیند در مجلسی که امر ما در آن مجلس زنده شود (یعنی علوم و احادیث ما اهل بیت (ع) را یاد گیرد و تعلیم مردم کند)، نمیرد دل او روزی که دل ها در آن روز بمیرد.» (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۱، ۵۹۶).

از آنجایی که بخشی از تمدن ملل اسلامی بر پایه های درست دینی شکل می گیرد، این امر از منظر امام رضا (ع) به دور نبوده است. از سویی دیگر با توجه به گسترش حلقه های حدیثی عامه و گروه های کلامی منحرف در این دوران، امام رضا (ع) شیعه را به دقت در اخذ حدیث توصیه می کردند که مبادا آنان آنچه متکلمان دور از مکتب اهل بیت (ع) می گویند بگیرند که این مانعی در شکل گیری علم تمدن ساز است.

علم نجوم به خاطر عقایدی که از گذشته، در خصوص تأثیرات حرکات فلکی، بر سرنوشت بشر و موجودات وجود داشته، مورد علاقه حُکام وقت بوده و از منجمان در

برنامه‌های کاری خود بهره می‌گرفتند؛ به همین جهت در زمان‌های مختلف رونق داشته است؛ اما مسلمانان در ستاره‌شناسی فعالیت خود را به سرعت آغاز کردند. پشوانه این فعالیت‌ها، اقدامات عملی مسلمانان برای تعیین جهت قبله و محاسبه اوقات نماز شبانه‌روز و همچنین به دلیل ملاحظات فلسفی و نظری بود (نصر و متقی فر، ۱۳۸۲). مسلمانان در این علم، نوآوری‌ها و تألیفات درخور توجهی پدید آوردند که سبب شد تا تمدن اسلامی از جایگاه خاصی برخوردار شود.

در سیره و سخنان امام رضا علیه السلام نیز بارها بر اهمیت این علم و استفاده از آن تأکید شده است. ریان بن صلت گوید:

«مأمون گروهی از دانشمندان را نزد حضرت رضا علیه السلام خواند و آن حضرت علیه السلام هنگام مناظره بر همه چیره شد. در این هنگام صباح بن نصر هندی درباره نجوم پرسید. حضرت رضا علیه السلام فرمود: «دانشی است که بر پایه صحیح استوار گشته و نخستین کسی که از دانش نجوم سخن به میان آورد حضرت ادریس علیه السلام بود. ذوالقرنین نیز بدان ماهر بود و ریشه این علم از نزد خدا رسیده است [...] این دانش از علم پیامبران است که حق تعالی به علی آن را ویژه آنان ساخته است؛ اما اخترشناسان به ژرفا و دقایق آن راه نیافته و ندانسته‌اند؛ از این رو حق را به کذب مخلوط کرده‌اند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۵، ۲۴۵).

نهی از فراگیری نجوم در برخی روایات نیز ناظر به دلیلی است که امام علیه السلام آن را بیان کرده‌اند. علمی که از عمق برخوردار نبوده و منشأ دینی نداشته باشد از وجه تمدنی خارج می‌شود. در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام نیز آمده است: زمانی که امام علیه السلام درباره دیده شدن خداوند متعال با زنداقه در حال گفت‌وگو بود، از علم نجوم نیز در اثبات ادعای خود استفاده کرد^۱ (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۱، ۱۳۱ و ۱۳۲)؛ بر این اساس علم نجوم که منشأ الهی و دینی دارد، از این حیث جزو علوم تمدنی به شمار می‌آید.

۱. «قَالَ الرَّجُلُ فَإِذَا إِنَّهُ لَا شَيْءَ إِذَا لَمْ يُدْرِكْ بِحَاسَةٍ مِنَ الْحَوَاسِّ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام وَ يَلِكْ لَمَّا عَجَزَتْ حَوَاشُكَ عَنْ إِدْرَاكِهِ أَنْكَزْتَ رُبُوبِيَّتَهُ وَ نَحْنُ إِذَا عَجَزَتْ حَوَاشُنَا عَنْ إِدْرَاكِهِ أَيْقَنَّا أَنَّهُ رَبُّنَا وَ أَنَّهُ شَيْءٌ بِخِلَافِ الْأَشْيَاءِ قَالَ الرَّجُلُ فَأَخْبَرَنِي مَتَى كَانَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام أَخْبَرَنِي مَتَى لَمْ يَكُنْ فَأَخْبَرَكَ مَتَى كَانَ قَالَ الرَّجُلُ فَمَا الدَّلِيلُ عَلَيْهِ قَالَ

هر دانش و اندیشه‌ای لاجرم، برای تأمین شناخت خود، نیازمند منابعی ویژه است تا بتواند با اعتباربخشیدن به ملاک‌های دانایی خود، در برابر هجوم‌های تردید مقاومت کند (فیرحی، ۱۳۸۲: ۷۰) تا تمدن خود را حفظ نماید. این منبع، همان زبان و ادبیات است که برخورد مسلمانان با ملت‌های غیرمسلمان با فرهنگ‌ها و ادیان و سوابق تمدنی متفاوت و آشنایی مسلمانان با این فرهنگ‌ها و ترجمه کتب ملت‌های مختلف به زبان عربی و گسترش عقاید آن‌ها در میان مسلمانان را در بر داشت. از سویی دیگر گسترش تمدن اسلامی نیز در گستره این علم قرار می‌گیرد؛ از این‌رو زمانی که نوفلی از مجالسی که مأمون برای مناظره امام رضا علیه السلام بر پا می‌کرد نگران بود و حضرت علیه السلام را بر حذر می‌داشت. امام فرمود:

«ای نوفلی! مأمون وقتی پشیمان می‌شود که بشنود دلیل آوردن من را بر رد اهل تورات به تورات ایشان و بر اهل انجیل به انجیل ایشان و بر اهل زیور به زیور ایشان و بر کسانی که بر دین نوح علیه السلام هستند به زبان عبرانی ایشان و بر آتش‌پرستان به زبان فارسی ایشان و بر اهل روم به زبان رومی ایشان.» (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۱، ۳۰۱ و ۳۰۲).

بنابراین با هریک به زبان خود گفت‌وگو می‌کردند.

همچنین امام علیه السلام در سیره خود از دانش زبانی در گسترده کردن ارتباطات اجتماعی که بخشی از تمدن است استفاده می‌کرد؛ چنان‌که:

«از داود بن قاسم جعفری روایت شده است که با ابوالحسن علیه السلام غذا می‌خوردم و آن بزرگوار بعضی از غلامان خود را به زبان فارسی و صقلی می‌خواند و بسا بود که من غلام خود را برای تعلیم زبان فارسی نزد غلام آن جناب می‌فرستادم. اغلب اتفاق می‌افتاد که سخنی بر غلام آن حضرت علیه السلام مشکل می‌شد و نمی‌دانست و آن حضرت

أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام إِنِّي لَمَّا نَظَرْتُ إِلَى جَسَدِي فَلَمْ يُعْكِتْ زِيَادَةً وَلَا نَقْصَانًا فِي الْعَرَضِ وَ طَوَّلَ وَ دَفَعَ الْمَكَارِهِ عَنْهُ وَ جَرُّ الْمُنْفَعَةِ إِلَيْهِ عَلِمْتُ أَنَّ لِهَذَا الْبَيْتَانِ بَانِيًا فَأَقْرَزْتُ بِهِ مَعَ مَا أَرَى مِنْ دَوْرَانِ الْفَلَكَ بِقُدْرَتِهِ وَ إِنْشَاءِ السَّحَابِ وَ تَصْرِيفِ الرِّيحِ وَ مَجْرَى الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ النَّجْمِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الْآيَاتِ الْعَجِيبَاتِ الْمُتَقَنَاتِ عَلِمْتُ أَنَّ لِهَذَا مُقَدَّرًا وَ مُثْنِيًا»

مشکل غلام خود را حل می کرد.» (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۵۴۲).

همچنین ابی الصلت هروی روایت کرده است که حضرت رضا علیه السلام در روش و سیره گفت و گوی خود با مردم به لغت های ایشان سخن می کرد. هروی می گوید:

«به خدا سوگند که از نظر لغت و زبان، فصیح ترین و داناترین مردم بود. روزی به آن بزرگوار عرض کردم: "یا بن رسول الله! از شناسایی تو به این لغت ها، با وجود اختلافات آن ها در شگفت می آیم." حضرت فرمود: "ای اباصلت! من حجت خدایم بر خلق او و حق تعالی فرا نگیرد حجتی را بر قومی، در حالی که آن حجت به لغت های ایشان عارف نباشد. آیا قول امیرالمومنین علیه السلام به تو نرسیده است که فرمود: "فصل خطاب به ما داده شده است و آیا فصل خطاب غیر از شناسایی لغت ها است."» (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۱، ۵۴۲ و ۵۴۳).

به این ترتیب، اختلاط میان عناصر گوناگون جهان اسلام به وسیله شناخت زبان ها و توجه به این علم فراهم می آید و مبادله همه جانبه اندیشه ها بر اساس این علم تمدن ساز رونق می گیرد.

۴. مجالس و مناظرات علمی

انسان، چون موجودی متفکر است و خوشبختی و خسران او در گروی بهره مندی از افکار و اندیشه های اوست، وحی الهی می کوشد تا از راه تفکر، او را به منافع مادی و معنوی خود متوجه کند؛ بر همین اساس، امیرالمؤمنین علیه السلام بیدار کردن افکار و عقول را به عنوان سرلوحه برنامه پیامبران الهی معرفی کرده است: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رُسُلَهُ وَ وَاتَرِ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَائَهُ [...] وَ يَشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ.» (نهج البلاغه، خطبه ۱). فرهنگ اسلامی به تفکر و تعقل و اختلاف اندیشه ها احترام گذاشته است و به تبادل نظر، گفت و گو، تضارب آراء، مناظرات و مجالس علمی اهمیت قائل شده است. از منظر امام علی علیه السلام، گردآوری آراء و بررسی و نقد آن ها، انسان را به واقعیت و حقیقت رهنمون می سازد: «آراء و نظرات دیگران را همانند مایه ای که در مشک می زنند تا زبده و شیره آن را بیرون آورند در عالم ذهن بر هم زیند و نقادی کنید تا ذهن فعال گشته و بر اثر آن، به رشد و ابتکار برسد.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۱۵۸).

آزادی اندیشه در حوزه تمدن اسلامی، مباحثه و مناظره‌های علمی را در بین اندیشه‌وران فرقه‌های اسلامی به دنبال داشت؛ به‌ویژه از قرن دوم هجری بازار گفت‌وگو و مناظره در کانون‌های علمی و مسجدها گرم بود. صاحبان اندیشه با شرکت در محافل مناظره از اندیشه‌ها و دیدگاه‌های خود دفاع می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۲۰۷). امام رضا (علیه السلام) نیز با استفاده از این زمینه‌ها نشست‌های گوناگونی با رهبران مذاهب در حجاز و خراسان داشت. این نشست‌ها سبب شد بسیاری از اندیشه‌وران و فرهیختگان به حق کردن نهند و راه درست را از نادرست بازشناسند.

در سیره تمدن‌ساز امام رضا (علیه السلام) مناظرات از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. گزارش‌های فراوانی از این مناظره‌ها و چگونگی برگزاری و محتوای آن که همگی ویژگی مناظره‌های تمدنی را واکاوی می‌کنند نقل شده است؛ به‌عنوان نمونه:

«از ابی‌الصلت هروی روایت است که چون مأمون سخنوران اهل اسلام و ادیان مختلف از یهود، نصاری، مجوس، صائین و سایر سخن‌گویان را در نزد حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا (علیه السلام) جمع نمود، احدی برنخواست سخنوری کند؛ مگر حضرت (علیه السلام) او را الزام نموده و او را ساکتش می‌نمود و حجت او را رد می‌فرمود و به‌طوری او را ساکت می‌کرد که گویا لقمه‌ای سنگی در دهان او بود که قادر بر تکلم نبود.» (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۱، ۳۸۲).

برگزاری مکرر این مناظرات از سوی مأمون نیز در عزم امام (علیه السلام) خللی وارد نکرد؛ چراکه امام (علیه السلام) نشان داد بهترین اقدام در ترویج فرهنگ دینی و عقاید اصیل اسلامی که شاکله تمدن اسلامی را می‌سازد، جز با ارائه طرق شناخت حق از باطل میسر نبود؛ درواقع مناظرات، اقدامی علمی و معرفت‌شناختی، در خصوص عقاید رایج، در راستای تثبیت عقاید حق بود.

گزارش‌های کتاب عیون اخبارالرضا (علیه السلام) از مناظرات امام (علیه السلام) چنین تصویری ارائه می‌دهند:

«مأمون مجالسی تشکیل می‌داد برای بحث و در آن مجالس مخالفین اهل بیت (علیهم السلام) گرد می‌آمدند و او با آنان در مورد امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بحث می‌کرد و او را بر

دیگران از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله تفضیل می داد و این کار را برای محبوب شدن خود نزد حضرت رضا علیه السلام می کرد و آن حضرت علیه السلام به یاران و دوستانش، چون به آنان اطمینان داشت که فاش نمی کنند می فرمود: "فریب این گونه کارهای مأمون را نخورید؛ به خدا سوگند جز او قاتل من نیست؛ ولیکن من چاره ای جز صبر و شکیب ندارم تا اینکه مدت عمرم تمام به سر آید." (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۴۳۳).

از احمد بن حسن میثمی روایت است که روزی اصحاب حضرت رضا علیه السلام گرداگردش جمع بودند و در مورد موضوعی که دو حدیث مختلف از رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن موضوع روایت شده منازعه می کردند. پس احمد از آن حضرت در این زمینه سؤال کرد. آن جناب فرمود: خدای عزوجل حلال و حرام معین گردانیده و واجب را نیز معلوم ساخته است (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۱، ۶۹۴). از حسن بن جهم روایت است که گفت: روزی در مجلس مأمون حاضر شدم و علی بن موسی الرضا علیه السلام نزد او بود و فقها و اهل کلام از فرقه های مختلف در آن مجلس جمع شده بودند (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۴۷۳). کثرت مناظره های امام علیه السلام و رویکرد ایشان در این جلسات نشان داد که هدایت انسان ها و سالم سازی افکار که در شکل گیری تمدن ناب نقش دارند از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۱، ۴. لزوم مناظره تمدنی

نقش مناظره علمی در شکوفایی اندیشه ها و پدید آمدن اندیشه های نو در تمدن سازی چنان است که امام رضا علیه السلام نه تنها بر شکل گیری محفل های این چنینی مخالفتی نداشتند، بلکه از آن بهترین استفاده را می کردند. از اسحاق بن حماد روایت است که گفت: مأمون مجلس های گفت و گو منعقد می کرد و مخالفان اهل بیت علیهم السلام را جمع می کرد و در امامت علی بن ابی طالب علیه السلام با ایشان سخن می گفت و حضرت رضا علیه السلام به اصحاب خود که به آن ها اطمینان داشت می فرمود به سخنان او مغرور نشوید؛ سوگند به خدا که غیر از او کسی من را نمی کشد (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ۴۲۶).

۲، ۴. روش و آداب مناظره

مناظره میان مسلمانان و دیگران بر اساس اصولی درست و خردمندانه و با آداب جامعه متمدن انجام می گرفت. در روح فرهنگ و تمدن اسلامی گفت و گوها مؤدبانه و

خویشتن دارانه و از تندی و لجاجت برکنار است (رضوی، ۱۳۸۰: ۲۵۰). مناظره‌ها به دور از فخرفرشی است و به‌طور معمولی به رفع ابهام‌ها می‌انجامد.

روش مناظره و آداب آن در سیره و روش علمی امام رضا علیه السلام نمایان است. در جریان مناظره امام رضا علیه السلام با سلیمان مروزی، متکلم خراسان، زمانی که مأمون از برخی صحبت‌های سلیمان برآشت، امام علیه السلام از مأمون خواست تا سخن سلیمان را قطع نکند تا بدین گونه بهانه‌ای برای قطع سخنان و مناظره به وجود نیاید و نیز ادب مناظره حفظ شود. سپس امام علیه السلام از وی خواست تا سخن خود را ادامه دهد؛ این در حالی بود که سلیمان اراده را مانند سمع و بصر و علم می‌دانست (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۱، ۳۷۲).

در تاریخ نمونه‌های متعدد دیگری از مناظره‌های امام علیه السلام ثبت شده است که در آن، علاوه بر وجود ویژگی‌های گفت‌وگوی علمی، چگونگی نشر علم در ساحت مناظره نیز مشخص شده است. چنین مناظره‌هایی گویای این است که گفت‌وگوی علمی، ابزاری در جهت معرفی تمدن دینی بر پایه علم است. چنین خصوصیتی در گفت‌وگوی حضرت علیه السلام با حسن بن محمد نوفلی نمایان است. حضرت علیه السلام نظر نوفلی درباره برپایی مناظرات از سوی مأمون را جویا شدند. نوفلی در پاسخ، علاوه بر آنکه به نیت مأمون از برپایی مناظرات میان امام علیه السلام و اهل شرک پرده برداشت و آن را در ظاهر سنجش علم امام علیه السلام از سوی مأمون دانست، به نکته دیگری نیز اشاره کرده است که نمایانگر ویژگی مناظرات در آن دوره بوده است. نوفلی می‌گوید که اصحاب بدعت و گفت‌وگو به خلاف منش علما رفتار می‌کنند؛ زیرا عالم، قول صواب را انکار نمی‌کند و اصحاب گفت‌وگو از غیر اهل اسلام و متکلمان و اهل شرک، اهل انکار و دروغ‌اند و اگر برای ایشان دلیل بیاوری که خدا یکی است می‌گویند: ثابت کن یگانگی او را [...]؛ پس مخاطب را حیران می‌کنند و چون شخص با دلیل، گفته آن‌ها را باطل کند، آن‌ها مغالطه می‌کنند تا اینکه شخص گفته خود را واگذارد و از قول خود دست بردارد؛ پس از آن حذر کن فدایت شوم. حضرت علیه السلام تبسم کرد. پس از آن فرمود: ای نوفلی! آیا می‌ترسی بر من؛ دلیل من را قطع کنند؟ عرض کردم: نه. (صدوق، ۱۳۹۰: ۳۰۱ و ۳۰۲). سیره امام رضا علیه السلام نشان می‌دهد که علم دست‌مایه‌ای برای به‌دست‌آوردن مطامع دنیایی نیست؛ بلکه علم ابزاری در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای بشری است. از سوی دیگر امام علیه السلام برای شناساندن علم و

معرفت به هر ابزاری دست نمی‌زند؛ بلکه معیارهای گفت‌وگوی علمی در جهت اثبات علم تمدن‌ساز را به رخ دیگران می‌کشد.

نتیجه‌گیری

علم، عنصر جدایی‌ناپذیر از تمدن است. این مهم از سیره و سخنان امام رضا علیه السلام به دست می‌آید. مهم‌ترین نقشی که اسلام در ایجاد تمدن اسلامی ایفا کرد، زمینه‌سازی مناسب برای رشد و شکوفایی علم بوده است؛ چراکه بدون علم، ساخت و گسترش تمدن بزرگ اسلامی امکان‌پذیر نیست. بر این مبنا بررسی روایات و سیره مطرح‌شده در کتاب شریف عیون اخبارالرضا علیه السلام به‌وضوح معلوم کرد امام رضا علیه السلام با تأکید بر اهمیت تفکر و تعقل، سفارش اکید به مسلمانان به علم‌آموزی، حضور مؤثر در مناظرات، تأکید بر نقش علمای راستین و در نهایت معرفی نمونه‌های اصیلی از دانشمندان زمینه را برای ساختن تمدنی مبتنی بر دانش ترسیم کرده‌اند. همچنین گزارش‌های موجود نشان داد توجه به سیره ائمه علیهم السلام در کشف ویژگی‌های علم تمدن‌ساز امری ضروری و مهم است. علاوه بر اینکه علم راهی است که توحید را در بشر بیدار می‌کند. همچنین او را در خط سیر کشف حقایق جهان هستی که پایه تمدن است کمک می‌کند؛ ازاین‌رو علم تمدن‌ساز باید، علاوه بر رفع نیازهای مشروع فطری و مادی بشر، او را به سوی رشد و تعالی نیز سوق داده و وی را از انحراف نجات دهد.

* قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، علی بن محمد (شیخ صدوق)، ۱۳۹۰، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه و شرح آقا نجفی اصفهانی، قم: انتشارات نبوغ.
۲. حیدری کاشانی، محمدجواد، دی ۱۳۷۷، «رابطه علم و دین از دیدگاه علامه طباطبایی»، پاسدار اسلام، سال ۲۶، ش ۲۰۴.
۳. جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۵، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، بی تا، وسائل الشیعه الی تحصیل سائل الشریعه، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۵. حسینی، شریف، بهار و تابستان ۱۳۸۳، «پزشکی در تمدن اسلام»، پژوهش و حوزه، ش ۵، ش ۱۷ و ۱۸.
۶. خمینی، سیدروح الله، ۱۳۸۷، دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، تدوین حسنعلی احمدی فشارکی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۷. رضوی، عباس، مرداد ۱۳۸۰، «سهم حوزه‌ها در تمدن اسلامی»، حوزه، ش ۱۸، ش ۱۰۵-۱۰۶، ص ۲۴۲ تا ۳۰۷.
۸. زیدان، جرجی، ۱۳۶۹، تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه و نگارش علی جواهرکلام، چ ۶، تهران: امیرکبیر.
۹. سوروگین، پی تیریم الکساندروویچ، ۱۳۷۷، نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه نوین تاریخ، ترجمه اسدالله نوروزی، رشت: حق شناس.
۱۰. سیدرضی، محمد بن حسین، ۱۳۷۶، نهج البلاغه، ترجمه و تفسیر علامه محمد تقی جعفری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. صدر، سیدحسن، بی تا، تاسیس الشیعه لعلوم الاسلام، تهران: منشورات اعلمی.

۱۲. صفاء، ذبیح‌الله، ۱۳۵۶، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، چ ۴، تهران: امیرکبیر.
۱۳. فرحی، داود، تابستان ۱۳۸۲، «روش شناسی اندیشه سیاسی در فلسفه غرب تمدن اسلامی»، علوم سیاسی، س ۶، ش ۲۲، ص ۶۷ تا ۹۶.
۱۴. کاشفی، محمد رضا، ۱۳۸۴، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت: دار الایحاء التراث.
۱۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الإسلامی.
۱۷. مدیرشانه چی، کاظم، ۱۳۶۲، علم الحدیث، چ ۳، قم: بی‌نا.
۱۸. مطهری، مرتضی، بی‌تا، آشنایی با علوم اسلامی، قم: صدرا.
۱۹. _____، ۱۳۶۲، خدمات متقابل اسلام و ایران، چ ۱۲، قم: صدرا.
۲۰. _____، ۱۳۹۸، ده گفتار، قم: صدرا.
۲۱. نصر، حسین و غلامرضا متقی‌فر، شهریور ۱۳۸۲، «تعلیم و تربیت اسلامی مروری بر چالش‌های موجود بین فلسفه و دانش معاصر با اسلام سنتی»، معرفت، س ۱۲، ش ۶۹.
۲۲. نوفل، عبدالرزاق، ۱۳۵۱، مسلمانان و دانش جدید، ترجمه محمدعلی میررکنی و محمدجواد خداکرمی، تهران: انتشارات برهان.
۲۳. همتی گلیان، عبدالله، تابستان ۱۳۸۶، «نگرشی به میراث علمی مسلمانان در اسپانیا»، تاریخ اسلام، س ۸، ش ۳۰، ص ۹۱ تا ۱۰۵.
۲۴. یعقوبی، عبدالرسول، شهریور ۱۳۸۰، «تعامل تمدن اسلام و غرب»، معرفت، س ۱۰، ش ۴۵.